

تحلیل سبکی اغراض ثانویه جملات امری در خاوران نامه

روشن رحمانی^۱، شهربانو حق شناس^{۲*}

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده نظریه و ادبیات نوین فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان.

۲- دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده نظریه و ادبیات نوین فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه،

تاجیکستان.

سال هجدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۷، صص ۳۹-۵۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7696>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: شاعران و سخنوران فارسی زبان برای انتقال مفاهیم مورد نظر از ابزارهای زبانی و ادبی بهره میبرند. معانی ثانویه جملات امری یکی از فنونی است که در انتقال ظرایف معنایی و اهداف بلاغی مورد استفاده قرار میگیرد. هدف پژوهش حاضر کشف اغراض ثانویه جملات امری در ساختار خاوران نامه میباشد تا نشان دهیم ابن حسام برای چه منظور و مقصودی از جملات امری بهره گرفته و بسامد کاربرد هر غرض تا چه میزان بوده است. زمینه‌های فکری ابن حسام و تسلط وی بر ادبیات عامه باعث شده است که امر و معانی ثانویه آن در خاوران نامه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع بنیادی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، یافته‌ها و داده‌ها، تحلیل محتوایی و آماری گردیده است. جامعه آماری ۱۱ هزار بیت است. **یافته‌های پژوهش:** یکی از مباحث مهم بلاغت، علم معانی و پرداختن به سبک و شیوه‌های تأثیرگذاری کلام است. معانی ثانویه جملات امری از جمله فنونی است که شاعران و سخنوران به اقتضای حال و مقام و برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب به کار میگیرند. زمینه دینی حماسه خاوران نامه سبب شده است که بیشترین اهتمام ابن حسام بر ارشاد و راهنمایی باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش بیانگر آن است که ابن حسام برای انتقال مفاهیم از ۱۰ غرض ثانویه بهره برده، ارشاد و راهنمایی بالاترین بسامد و هشدار و تحذیر کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. در عین حال اظهار و بیان معانی متعدد به طور همزمان در یک بیت یا جمله امری از ویژگیهای سبکی این شاعر محسوب میشود.

تاریخ دریافت: ۰۳ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۰۴ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۹ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۵ آبان ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

ابن حسام، سبک، جملات امری، اغراض ثانویه، خاوران نامه.

* نویسنده مسئول:

haghshenas88@gmail.com

(۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic analysis of secondary purposes of imperative sentences in Khavarannaméh

R. Rahmani, Sh. Haghshenas*

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Modern Persian Theory and Literature, National University of Tajikistan, Dushanbe, Tajikistan.

2- Graduated in Persian language and literature, Faculty of Modern Persian Theory and Literature, National University of Tajikistan, Dushanbe, Tajikistan.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 24 July 2024

Reviewed: 25 August 2024

Revised: 09 September 2024

Accepted: 26 October 2024

KEYWORDS

Ibn Hossam, style, imperative sentences, secondary purposes, Khavarannaméh

*Corresponding Author

✉ haghshenas88@gmail.com

☎ (+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Persian poets and orators use linguistic and literary tools to convey the desired concepts. Secondary meanings of imperative sentences are one of the techniques used in conveying semantic nuances and rhetorical goals. The purpose of the present research is to discover the secondary purposes of imperative sentences in the structure of Khavarannaméh to show for what purpose Ibn Hossam used imperative sentences and to what extent was the frequency of use of each purpose. Ibn Hossam's intellectual background and his mastery of popular literature have made the matter and its secondary meanings have a special place in Khavarannaméh.

METHODOLOGY: The current research is of a fundamental type, which was carried out with a descriptive-analytical method, and the findings and data were analyzed for content and statistics. The statistical population is 11,000 bits.

FINDINGS: One of the important topics of rhetoric is the science of meanings and dealing with the style and ways of influencing words. Khavarannaméh has caused Ibn Hossam's greatest concern to be on guidance and guidance.

CONCLUSION: The results of the research show that Ibn Hossam used the 10 secondary purposes of guidance and guidance to convey the concepts, the highest frequency, and warning and warning the lowest frequency. At the same time, expressing multiple meanings simultaneously in one verse or sentence is one of the stylistic features of this poet.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7696>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 23	 1	 1

مقدمه

یکی از مباحث مهم بلاغت، علم معانی و پرداختن به سازوکارهای تأثیرگذاری کلام است که با در نظر گرفتن مقام مخاطب و مناسب حال او در بلاغت قدیم و جدید حائز اهمیت و مورد توجه است. از این روی توجه به کارکرد مباحث علم معانی به ویژه معانی ثانویه جملات امری در آثار متأخرین میتواند راه را برای شناخت بهتر این آثار هموارسازد. در نقد بلاغی آثار ادبی، توجه به میزان و شیوه اثرگذاری پیام صادر شده از جانب فرستنده به گیرنده، اهمیت بسزایی دارد تا جایی که زرین کوب اهمیت این موضوع را چنین برم‌شمارد: در اسرارالبلاغه لب کلام عبدالقاهر تقریباً بیان این معنی است که در آثار ادبی میزان و ملاک جودت و بلاغت تأثیری است که طرق بیان شاعر و نویسنده در ذوق و نفس خواننده دارد و این نکته در بین متقدمان بی‌سابقه نیست و حتی به وجهی با کلام ارسطو شباهت دارد که ارزش تراژدی را به تأثیر آن که تهذیب و تزکیه است منوط میداند (زرین کوب، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۶۸).

از آنجا که اهمیت مباحث بلاغی به خصوص در حوزه علم معانی در گستره ادبیات فارسی بر کسی پوشیده نیست، در این پژوهش سعی شده است به بررسی یکی از مهمترین مباحث زیر شاخه‌های علم معانی؛ یعنی کاربرد معانی ثانویه پرداخته شود. در تعریف علم معانی مطالب زیادی مطرح شده اما تعریف سیروس شمیسا مورد نظر این پژوهش است: «معانی (علم به معنای ثانوی) احساسی است که سیاق جمله به خواننده القا میکند» (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۲۲۰).

معانی ثانویه از جمله علوم بلاغی است که در حوزه جمله یا کلام بررسی میشود. در پژوهش حاضر برای اینکه به صورت تخصصی به موضوع بپردازیم معانی ثانویه جملات امری را برگزیده‌ایم چرا که از لحاظ میزان کاربرد در آثار ادبی بسامد بالایی را به خود اختصاص داده است و هم اینکه در بستر متن میتواند زوایای معنایی مختلفی را نسبت به دیگر جملات خبری یا انشایی ایجاد کند. خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی نمونه فخر یک حماسه دینی است که فنون بلاغی به شیوه‌های مختلفی در آن نمود یافته است از این روی در پژوهش حاضر تلاش میشود سبک و شیوه ابن حسام در ساختار جملات امری خاوران‌نامه بررسی و از رهگذر آن به این سوالات پاسخ داده شود:

۱. ابن حسام جملات امری را با چه غرضی بیان کرده است؟

۲. بسامد اغراض ثانویه به کار رفته در این اثر چگونه است؟

نتایج حاصل از پژوهش که به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده حاکی از آن است که ساختار دینی حماسه خاوران نام و زمینه‌های فکری و شخصیتی خالق اثر، شاعر را وادار کرده ارشاد و راهنمایی را بیش از دیگر اغراض به کار گیرد از این رو بالاترین بسامد به این گونه اختصاص یافته است.

سابقه پژوهش:

تأثیر یک جمله در متن به دو شکل ظاهری یا ثانویه میتواند ظهور و بروز نماید. با در نظر گرفتن ویژگیهای ظاهری کلام میتوان به تأثیر آن در متن که همان غرض ثانویه است پی برد. توجه به بافت کلام نحوه به کارگیری اغراض ثانویه را آشکار میسازد. در واقع ایجاد اغراض ثانویه و تأثیر آن بر متن، بافت چند لایه‌ای ایجاد میکند که کشف آن التذات هنری را در پی خواهد داشت. بررسی‌ها نشان میدهد عمده پژوهشها در خاوران‌نامه بر ساختار حماسی و مذهبی آن متمرکز بوده و به علم معانی در این اثر پرداخته نشده است. در خصوص اغراض ثانویه جملات این اثر نیز تاکنون پژوهشی انجام نشده با این حال به برخی پژوهشهای مرتبط با موضوع حاضر اشاره میشود:

کاردانی و مالمیر، ۱۳۸۱ در مقاله بررسی نقشهای معانی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی، کارکرد اغراق ثانویه جملات پرسشی را در قصاید خاقانی نوزده غرض بر شمرده‌اند.

گلی و محمدی، ۱۳۹۴ در مقاله‌ای با عنوان ساخت رابطه تعلیلی_ استنتاجی جملات در شعر حافظ به برخی ساختهای جمله در شعر حافظ پرداخته و جملات امری با وابسته تعلیلی را در ۵۰ غزل حافظ مورد بررسی قرار داده‌اند.

ماهیار و افضل‌راد، ۱۳۹۳ در مقاله‌ای با عنوان بررسی اغراض ثانویه جملات امری در غزلیات سعدی به بررسی اغراض ثانویه در ۷۱۵ غزل سعدی پرداخته‌اند.

شهبازی، ۱۴۰۰ در مقاله‌ای با عنوان بررسی معنایی_ منظوری گزاره‌های امری در غزلیات حافظ گزاره‌های امری را در ۲۵۰ غزل دیوان حافظ بررسی نموداست.

هاتفی اردکانی و ایزدیار، ۱۳۹۹ در مقاله‌ای با عنوان بررسی معانی ثانویه امر در غزلیات کلیم کاشانی معانی ثانویه جملات امری را در ۵۹۰ غزل از دیوان این شاعر بررسی نموده‌اند.

حسینی، ۱۳۹۹ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی معانی ثانویه امر در شعر مهدی اخوان ثالث پرداخته است.

کیان‌مهر، ۱۳۸۸ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی معانی ثانویه جملات در ۲۰۰ غزل دیوان حافظ پرداخته است.

بحث

زبان به اعتبار نوع کاربرد دو گونه است: زبان عاطفی و ارجاعی. زبان ارجاعی در واقع زبان علم است و عموماً از گزاره‌های خبری شکل می‌گیرد که محتمل صدق و کذب است؛ حال آنکه زبان عاطفی زبان جملات انشایی و سخن ادبی است که محتمل صدق کذب نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲، ص ۲۹). زبان ادبی با هنر و ادبیات و عواطف سروکار دارد، مخیل است و میتواند دارای دو جنبه ایجاز یا اطناب باشد. سخن ادبی برگرفته از عواطف است و صور خیال و تصویرآفرینی عناصر و ابزارهای نفوذ کلام ادبی را تشکیل میدهد. علم بلاغت در واقع علم بررسی همین اسباب و لوازم است. «کلام بلیغ باید فصیح و برای بیان مقصود گوینده وافی و رسا و باید مطابق و مقتضای حال و مقام نیز باشد» (همایی، ۱۳۸۹، ص ۲۰). در بررسیهای سبک‌شناسی متون ادبی، اغراض ثانویه جملات و کشف روابط بین جملات حائز اهمیت است موضوع اغراض ثانویه جملات امری به علم معانی مربوط است و کارکرد این علم، بحث در مورد معانی ثانویه جملات است. یکی از ابزارهای بیان مؤثر مطلب کاربرد جملات به طور غیر مستقیم و در معنای ثانویه است. نویسنده زبردست آن است که با فضا سازی و ایجاد قرائن حالیه معنا را به تعویق بیندازد و تا جایی که مقتضای متن است معنای پنهان را دورتر از اسباب ظاهری کلام نگه دارد. هرچه این غیر مکشوف بودن و چند لایه‌ای بودن معنا در کلام بروز و ظهور بیشتری داشته باشد متن از غنای هنری بیشتری برخوردار است. در استنباط معانی ثانویه فرض این است که مطالب بدیهی را که همه میدانند یا مخاطب میدانند، مطرح نمیکنند مگر آنکه قصدی خاص در میان باشد (شمیسا، ۱۳۹۴: ۵۱).

یکی از منابع اصلی بلاغت، جواهرالبلاغه است که امر در این اثر این گونه تعریف شده است: «الامر، هُوَ طَلَبُ حُصُولِ الْفِعْلِ مِنَ الْمُخَاطَبِ عَلَى وَجْهِ الْإِسْتِعْلَاءِ مَعَ الْإِلْزَامِ» (جواهر البلاغه: ۷۷). همانگونه که از معنی جمله برمی‌آید؛ امر طلب کاری است به طریق بزرگی و برتری همراه با الزام. آنچه بیشتر کتب بلاغی بر آن اتفاق نظر دارند طلب انجام کار به طریق استعلاء و برتری است: «امر عبارت از درخواست کردن حصول کار است از شنونده یا خواننده به گونه

استعلاء و برتری به طوری که انجام آن را الزام میکند و این الزام ممکن است اخلاقی باشد؛ مثل اوامر معلمان و پندگویان و یا ممکن است دینی و مذهبی باشد مثل اوامری که در آیات قرآن و احادیث آمده است» (تجلیل، ۱۳۶۹ ص ۲۲). صادقان نیز از تعریف امر تقریباً همین منظور را دارد و بر این باور است که: امر یا فرمان طلب انجام فعل است به طریق استعلا بدین معنا که آنکه امر میکند بر کسی که فرمان میبرد برتری داشته باشد در غیر این صورت کسی که امر میکند به بی‌ادبی متهم میگردد (صادقیان، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸). گاهی گوینده، جمله یا فعل امر را به کار میبرد و مقصود و غرض چیزی جز ظاهر امر و فرمان مورد نظر اوست که جنبه بلاغی و ادبی دارد و موجب تأثیر کلام میگردد و زبان‌شناسان از آن به عنوان کنش تأثیر گفتار یاد میکنند (پول، ۱۳۹۱، ص ۹۸). اغراض ثانویه جملات در علم معانی از جایگاهی ویژه برخوردار است و کنشی که این جملات انجام میدهند دیدگاه کاربردی زبان را مورد توجه قرار میدهد. شمیسا علت کاربرد این گونه جملات را چنین برمی‌شمارد: «علت به کار بردن جملات در معانی ثانویه این است که شاعر میخواهد با توجه به مقتضای حال مخاطب یا خواننده سخن بلیغ و مؤثر بگوید و یکی از مهمترین ابزار تأثیر، به کار بردن جملات به طور غیر مستقیم در معنی ثانوی است. گوینده معنای مورد غرض خود را برمیگزیند و این غرض اوست که معنایی خاص یا کاربردی خاص را به میان میکشد» (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵).

اغراض ثانویه این ظرفیت را در اختیار شاعر یا نویسنده قرار میدهد تا مقصود و منظور خود را در نگاه اول از دید مخاطب مخفی نگه دارد و او را وادار نماید با تلاشی دوباره به معنی دسترسی یابد که همین کشف معنی در رجوع دوباره به متن التذات هنری را در پی خواهد داشت. در واقع معنایی که پس از معنای عام و اولیه کلام ظاهر میشود، نقشی مهم در هنری شدن جمله دارد معنای معناسی؛ یعنی معنای ثانویه‌ای که در بطن جمله درج است اما مکتوب نیست (محبوبی، ۱۳۸۸، ص ۴۳۵). معانی ثانویه جملات امری کاربرد گسترده‌ای دارد و در کتب مختلف تعداد این اغراض نیز متفاوت ذکر شده است. جلال الدین همایی برای جملات امری ۱۱ غرض (دعا، التماس، ارشاد، اباحه، تمنا، تهدید، تخییر، تسویه، تعجیز، اهانت و تحقیر) برشمرده است (همایی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۵_۱۰۱). از آنجا که خاوران‌نامه منظومه‌ای حماسی است و ابن حسام شخصیتی ایدئولوژیک دارد اغراض ثانویه عمدتاً از این دو موضوع نشأت میگیرد. شخصیت دینی ابن حسام باعث شده بیشتر اغراض ثانویه امر از نوع ارشاد و راهنمایی باشد و از آنجا که در حماسه، شخصیت‌ها به رجز خوانی در میدان نبرد میپردازند تهدید در رجز خوانی نهفته است و بالطبع غرض ثانویه تهدید دارای بسامد بالایی است که با روح حماسه همخوانی دارد.

اغراض ثانویه جملات امری در خاوران‌نامه

۱. کاربرد جملات امری در معنی ارشاد و راهنمایی

هدف شاعر یا نویسنده از به کار بردن جملات امری در این نوع غرض ارشاد و راهنمایی است تا شنونده را به صلاح و رستگاری رهنمون شود. این معنی وقتی از جملات امری دریافت میشود که گوینده خود را از مخاطب آگاهتر میداند و میخواهد با بیان یک جمله امری او را از موضوعی اعتقادی آگاه کند یا برای انجام دادن کاری او را راهنمایی کند (تجلیل، ۱۳۶۹، ص ۲۲).

خاوران‌نامه بستری فراهم کرده تا ابن حسام حماسه دینی را مطابق و همسو با کنش رفتاری و اعتقادی خود بیابد و ضمن خلق حماسه‌ای مصنوع به ارشاد راهنمایی و موعظه‌گری نیز بپردازد. در خاوران‌نامه اغلب جملات امری که مفید معنی ارشاد و راهنمایی‌اند متضمن معنای تشویق و ترغیب نیز هستند. در متون حماسی یکی از

خویشکاریهای راوی داستان این است که در مقام مرشد و پیر از رذائل اخلاقی بر حذر می‌دارد و به نوعی شخصیت‌های حماسه را به فضایل اخلاقی ترغیب مینماید از این روی غرض ثانویه ارشاد و راهنمایی با ۱۶۸ مورد کاربرد بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

زمین عرب جای پتیاره‌کن عرب را در آفاق آواره کن
مگردان ز رزم علی پای سست که مرگ علی در سر تیغ توست
(خاوران نامه: ۷۹)

تقابل ایدئولوژیک شخصیت‌های داستان در ابیات فوق به زیبایی به تصویر کشیده شده است. غرض ثانویه ابیات ارشاد و راهنمایی است که تهدید نیز در آن مستتر است. قطار به دیدار بت جاهلی لات آمده است؛ ابلیس در بت حلول میکند و قطار را راهنمایی میکند که چگونه در جنگ بر حریف غلبه کند و به او بشارت نیز میدهد که مرگ علی (ع) به دست توست.

یک امروز لشکر همیدر بدار مجنبان سپه را به پای حصار
(خاوران نامه: ۵۳۷)

در عرصه حماسه، پیروزی همواره با رویارویی مستقیم و نبرد لشکریان حاصل نمیشود. تلبیس و فریب یکی از ارکان حماسه و ابزاری است که جنگاوران در میدان نبرد به کار میگیرند. شیخال جادو که از نزدیک شدن لشکر مالک و ابوالمہجن آگاه شده نقشه‌ای طرح میکند تا بدون جنگ بر هم‌آوردان غالب شود از این رو میگوید امروز لشکر را اینجا نگه دارید که غرض ثانویه او ارشادی به منظور فریب است و قصد دارد خوانی بگسترده و آن را به زهر آغشته سازد تا بدون نبرد بر دشمن فائق آید. دسیسه و فریب بن مایه مشترک اغلب متون حماسی است.

بدو گفت جمشید کای شهریار یکی گوش را سوی من برگمار
تو را رزم حیدر نشاید همی از او آشتی جست باید همی
(خاوران نامه: ۹)

در بیشتر ابیاتی که غرض ثانویه آن ارشاد و راهنمایی است نگاه ایدئولوژیک سراینده کاملاً مشهود است. در ادبیات ذکر شده جمشید در مقام یاریگر ضد قهرمان همچون خطیبی بر منبر قرار گرفته و موعظه و ارشاد میکند؛ اما ارشادی است که تاکتیک‌های جنگی و نظامی را به مخاطب مینمایاند.

۲. کاربرد جملات امری در معنی تهدید

«گاهی فعل امر طوری به کار میرود که مفهوم تهدید و تحذیر در آن است نه امر» (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۹)

پس از ارشاد و راهنمایی غرض ثانویه تهدید بیشترین بسامد را در خاوران‌نامه به خود اختصاص داده است. ابن حسام در ۱۰۴ بیت جمله امری را در غرض ثانویه تهدید به کار برده، ساختار حماسه و کنش شخصیت‌ها در جنگ‌های مختلف و رجز خوانی و تهدید ضمن نبرد باعث شده است که تهدید در جایگاه دوم پرکاربردترین غرض ثانویه قرار گیرد.

به پاسخ علی گفت مومن شوید
چو مومن شدید از من ایمن شوید
(خاوران‌نامه: ۱۳)

از ظاهر کلام ارشاد و راهنمایی برمی‌آید؛ گویی خیرخواهی از سر شفقت و نکویی قصد دارد راه صلاح و رستگاری را به شنونده نشان دهد؛ اما فحوای کلام تهدید گوینده را نشان میدهد که اگر مسلمان نشوید کشته خواهید شد

و شرط ایمنی و سلامت مسلمان شدن است

چنین گفت قطار خونریز را که بر ساز کن خنجر تیز را
(خاوران نامه: ۹)

بگیر این جوان را و گردن بزَن تن بی سرش را به میدان فکن
(خاوران نامه: ۸۰)

در ابیات فوق رو ساخت کلام چیزی جز یک امر بدیهی که در میدان نبرد اتفاق می افتد را نشان نمیدهد؛ اما دقت در ژرف ساخت کلام نشان میدهد که گردن زدن جوان، دلخواه لشکریان نیست و قصد دارد شنونده را دچار مخاطره و تهدید نماید، شاید سعد به گفتار آید و اسراری از لشکر حضرت علی (ع) را برملا سازد و تهدید او نیز به گونه ای دیگر کارگر واقع میشود و سغیان در مقام یاریگر ظاهر میشود و به قطار مدد میرساند.

دهید و ز خواب اندر آیدشان وز آنجا به نزد من آیدشان
(خاوران نامه: ۴۵)

فرمان زدن و تنبیه است؛ بزنیید و نگهبانان را نزد من آورید. نگهبانانی که در نگهداری از اسیر کاهلی نمودند و اسیر گریخته است؛ اما غرض ثانویه، تهدید نگهبانان است تا بازگویند آنچه میدانند. استهزا و ریشخند نیز در آن مستتر است؛ چرا که عمروامیه لشکر را به بازی گرفته جادوان و طلایه سپاه را در بند نموده ولی اسپندیار هنوز باور نمیدارد.

۳. کاربرد جملات امری در معنی بیان عجز شنونده

«این نوع امر را در حماسه گویی و ادعا می آورند مثل اینکه به یکی بگویی اگر میتوانی یک شعر مثل سعدی بگو و مقصود این باشد که نمیتوانی مثل سعدی شعر بگویی» (همایی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۳)

این غرض عموماً به ترفندهای هنری استعاره و کنایه آمیخته است. استعاره تهکمه در غرض ثانویه بیان عجز شنونده کاربرد فراوان دارد؛ چرا که قصد گوینده ضعیف جلوه دادن شنونده است. در راستای رجز خوانی در میدان نبرد و ضعیف شمردن و تحقیر نمودن همآورد طبیعی جلوه میکند که غرض ثانویه بیان عجز شنونده جایگاه بالایی در جملات امری داشته باشد. این غرض با ۶۲ مورد کاربرد در جامعه آماری مورد نظر سومین غرض پربسامد در خاوران نامه محسوب میشود.

بدو گفت بنگر که این مرد کیست بپرسش که این تندی از بهر چیست
(خاوران نامه: ۵)

قهرمان با دیدن تندی و دشنه کشیدن علی علیه السلام دچار هراس شده و به وزیر میگوید علت تندی مهمان را بپرسید عجز و ناتوانی شنونده در کلام مشهود است.

کنون رو به درگاه شاه آورید جهانجوی را در پناه آورید
(خاوران نامه: ۴۴۰)

مالک که لشکریان جمشید را فریفته است به استعاره تهکمه جمشید را جهانجوی خطاب میکند در حالی که لشکریان برای دستگیری او بسیج شده اند. مالک عجز شنوندگان را در بازشناسی دشمن به رخ آنان میکشد.

به پاسخ علی گفت ای پهلوان نگر تا نباشی خلیده روان
(خاوران‌نامه: ۴۵۸)

شیخال‌هنگامه‌ای برانگیخته و مالک را مرعوب ساخته است علی علیه‌السلام به او نهیب میزند که از این بازی هراسان مشو نگذار ضعف بر تو مستولی شود.

۴. کاربرد جملات امری در معنی استرحام

«گاهی برای استرحام و برانگیختن رحم و شفقت مخاطب فعل را به صورت امر به کار می‌برند» (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۹)

هدف از به کار بردن این نوع امر، برانگیختن احساسات مخاطب است تا به گوینده توجه و به او رحم و شفقت نشان دهد. گاه در میدان نبرد، هم نبرد عاجز و شکست خورده برای رهاندن خود از چنگال مرگ، فعل امر را در غرض ثانویه استرحام به کار می‌گیرد. در حماسه خاوران‌نامه در ۴۰ بیت ابن‌حسام فعل امر را در مفهوم استرحام آورده است.

سخن گوی از انجام و آغاز خویش نباید که پنهان کنی راز خویش
(خاوران‌نامه: ۱۹)

کشتی غرق شده، سپاهیان نابود و دختری که به همسری مهتر آدمیخوارگان درآمده است مالک را می‌شناسد. در جمع محافظان خود به مالک امر می‌کند که راز خود را پنهان ندارد در واقع از مالک طلب استرحام مینماید تا او را از سرزمین آدمیخوارگان برهاند.

بمان تا فرستم سواری دگر ز نام آوران نامداری دگر
(خاوران‌نامه: ۲۴۲)

غشمشم میر سیاف، خسته از راه دور آمده و باید استراحت کند اما ماموریت او ناتمام است و باید بازگردد. بیت ذکر شده مهربانی و رحمت خواستن علی علیه‌السلام درباره میرسیاف را به تصویر کشیده است. امر «بمان» عاطفه و مهربانی را نشان می‌دهد از او می‌خواهد استراحت کند و شخص دیگری مامور به پایان رساندن وظیفه میرسیاف میشود.

تو این رزم امشب به فردا بمان ز بهر من این جنگ و غوغا بمان
(خاوران‌نامه: ۵۳۱)

ابوالمہجن که از بند آزاد گشته به پاس مهربانی پریدخت نمی‌خواهد کسی از لشکریانش کشته شود و از مالک درخواست می‌کند که جنگ را به فردا موکول نماید. فردا نیز با لشکریان در جنگ همراهی نمی‌کند. دیالوگی که فردا بین ابوالمہجن و پریدخت شکل می‌گیرد به خوبی نمایان می‌سازد که غرض اصلی از اینکه امر می‌کند مالک جنگ را به تأخیر بیندازد؛ رحمت و مهربانی بر سپاهیان دشمن است.

۵. کاربرد جملات امری در معنی تخییر

«گاهی فعل امر در مفهوم تخییر به کار میرود، یعنی شنونده را بین دو امر مخیر می‌کند» (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۶۰). به گونه‌ای که ترک آن از نظر گوینده بدون اشکال باشد. این غرض در خاوران‌نامه ۳۶ بار استفاده شده است.

تو لشکر بیارای و هوشیار باش سپاه از کلاهون نگهدار باش
(خاوران‌نامه: ۲۵)

ترس از حمله کلاهون باعث شده است که برای پیشگیری، فرمانده لشکر را مخیر کنند که لشکر را آماده سازد تا مالک و ابوالمهجن به طلایه بروند و شیخون بر لشکر کلاهون وارد آورند یا برعکس.
بگویش که خواهیم مسلمان شدن قدم رنجه گردان به نزدیک من
(خاوران‌نامه: ۵۰۲)

مخیر کردن مخاطب در اصل برای آزمودن اوست. ضمن اینکه در بسیاری موارد حيله‌ای در کار است و این مخیر کردن بدان منظور است که آیا حيله کارگر افتاده یا نه؟ در بیت ذکر شده وزیر میگوید علی علیه السلام را مخیر کن که اگر مسلمانی تو را میخواهد نزد تو بیاید. حال باید قهرمان داستان انتخاب کند؛ در مکر دشمن گرفتار آید و دعوت را پاسخ دهد یا اندیشه دیگری ساز کند.
مسلمان شو ای شاه پیروز بخت که فرخنده گردد به تو تاج و تخت
(خاوران‌نامه: ۵۳۳)

در این بیت هم مفهوم همان است مخیر کردن در انتخاب بین دو امر دشوار. مخیر نمودن در مسلمان شدن یا تن به نبرد دادن؛ نبردی که حتماً تلفات بسیاری برجای خواهد گذاشت.

۶. کاربرد جملات امری در معنی آرزو

«گاهی فعل امر در مفهوم بلاغی، معنی تمنا و آرزو میدهد» (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۹). کارکرد این غرض ثانویه عموماً حدیث نفس گوینده است با این مفهوم که: «ای کاش اتفاق چنین رقم بخورد.» در خاوران‌نامه بسامد این غرض بالا نیست و تنها ۲۸ بار استفاده شده است؛ چرا که ساختار حماسه تناسبی با سپردن امور به قضا و قدر و آرزو کردن ندارد. قهرمان در میدان نبرد، سرنوشت را خود به وسیله نیروی جسمانی و استفاده از سلاح و یا نیرنگ رقم میزند. سازوکارهای لغوی و همنشینی واژه‌ها در محور افقی زبان و استفاده از سازه‌های هنری و زیبایی‌شناسی خواننده را به غرض ثانویه امر رهنمون میشود.
ببر نامه من بدین نامدار جوابی بیاور که آید به کار
(خاوران‌نامه: ۲۴۲)

غرض ثانویه در این بیت برآورده شدن خواسته و آرزوی گوینده است. قصد دارد در قالب نامه به اسرار لشکر دشمن وقوف یابد و آرزو میکند ضمن پاسخ نامه آنچه به کار است حاصل آید. صراحت امر در افعال «ببر و بیاور» دیده میشود؛ اما غرض مکونات قلبی گوینده است که آرزو دارد پاسخ به کام او حاصل آید.
بیار آن سلیح مرا زان حصار همی دارش آنگه ز من یادگار
(خاوران‌نامه: ۴۳۲)

فعل امر «همی دارش» ساختار آینده دارد. این فعل مفهوم ثانویه تداوم را نیز به ذهن متبادر میسازد و به این منظور به کار رفته است که گوینده آرزو دارد مخاطب سلاح او را از امروز و در آینده‌ای که ممکن است او دیگر نباشد نزد خود به یادگار نگه دارد.
تو را رفت باید به دنبال او که تا بر چه سان بینی احوال او
(خاوران‌نامه: ۴۶۷)

آشنایی زدایی فعل امر «رفت باید» به جای «باید بروی» خواننده را به تأمل و میدارد؛ چه امری است که چنین با تاکید بیان شده است؟ گوینده در آرزوی شنیدن خبر سلامتی مالک است. مدتی از غیبت مالک گذشته و نگرانی بر لشکریان مستولی شده پیکری به جستجو فرستاده میشود به این امید و آرزو که خبر سلامتی مالک را به ارمغان بیاورد.

یک امروز بنشین به نزدیک من که تا من گسارم بدین انجمن
(خاوران‌نامه: ۵۲۷)

عواطف گوینده در زنجیره کلام مشهود است مالک می‌گسار نیست پیروزیخت که در حال باده نوشی است امر «بنشین به نزدیک من» صادر میکند؛ امری که غرض ثانویه آن آرزو است؛ آرزو دارم اگر شراب هم نمینوشی در کنار من حضور داشته باشی دوست دارم تو را در کنار خود ببینم.

۷. کاربرد جملات امری در معنی تعجب

«غرض ثانویه تعجب وقتی از جملات امری استنباط میشود که گوینده بخواهد در قالب یک جمله امری اعجاب و شگفتی خود را از دیدن موضوع یا روی دادن کاری بیان کند» (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۱۵۲) از اصیلترین مولفه‌های حماسه اعجاب و شگفتی افراد در میدان نبرد است. سلاح، اسب، نیروی تن و تاکتیکهای جنگی میتواند حریف را به اعجاب و شگفتی وادارد. خاوران‌نامه حماسه‌ای دینی است که مقوله خرق عادت و اعجاز در آن اعجاب و شگفتی مخاطب را به همراه دارد. بسامد کاربرد غرض ثانویه تعجب در جامعه آماری خاوران‌نامه ۲۲ مورد است و هفتمین غرض پرکاربرد محسوب میشود.

بگوئید از آغاز و انجام خویش بر و مرز و آباد و آرام خویش
(خاوران‌نامه: ۴۴)

اعجاب و شگفتی گوینده از دیدن سواران، برانگیخته شده است. تکرار عطف در مصراع دوم اوج این اعجاب را به نمایش می‌گذارد و مطابق با نظریه پراپ، خبرگیری شریب از احوال قهرمان به وسیله دیگری را نشان میدهد. «جیم» که سواران زره‌پوش را میبیند از حضور آنان دچار شگفتی میشود. سازه‌های هنری تشبیه که در ادامه ابیات از زبان جیم آمده است نشان میدهد غرض ثانویه از امر «بگوئید»، فرو نشانیدن عطش اعجاب و شگفتی و ترسی است که بر او غالب آمده است.

به خادم چنین گفت کای مژده گوی چه گفتمی مرا بار دیگر بگوی
(خاوران‌نامه: ۴۴۴)

شاه باور نمیدارد که عمر و امیه در بند شده باشد از این روی با تعجب از خادم خود میخواهد حرفش را تکرار کند. کاربرد صفت «مژده گوی» برای خادم، هنرمندانه اوج اعجاب شاه را به تصویر میکشد.

خروشید کای نامدار انجمن دهید این فرستاده را پیش من
(خاوران‌نامه: ۶)

شاه که از گفتمان علی علیه السلام به شدت دچار اعجاب و شگفتی شده فرمانهایی از روی ترس و تعجب صادر مینماید. اعجابی که از تهوّر علی (ع) بر قهرمان مستولی شده است. در ادامه داستان این اعجاب آمیخته به ترس رخ مینماید؛ چرا که هنوز اقدامی از سوی سپاهیان در راستای اجرای فرمان دیده نمیشود که شاه فریاد میزند کسی کاری نکند فرستاده خود حیدر است.

نگه کن بدان دیو کز روی آب سوی کشتی آرد بر ما شتاب
(خاوران‌نامه: ۳۴)

گردی از روی دریا برخاسته و اعجاب مالک و ابوالمہجن را برانگیخته است. نزدیکتر که میشود میبینند دیوی است که به شتاب سوی آنان می‌آید فعل امر «نگه کن»، تعجب گوینده را میرساند. سازه هنری اغراق در نمایش اعجاب تأثیر فراوانی داشته است.

۸. کاربرد جملات امری در معنی استهزا

غرض ثانویه در این نوع جملات امری تحقیر یا به تمسخر گرفتن مخاطب است. در حماسه کاربرد طنز گونه‌ای دارد چرا که قهرمانان رویاروی هم به مفاخره، خود را دارای شوکت و شکوه معرفی میکنند و هم‌اورد را به استهزا میگیرند. کاربرد هنرمندانه آنرا در شاهنامه فردوسی و در نبرد رستم و اشکیوس مشاهده میکنیم:

بخندید رستم به آواز گفت که بنشین به پیش گرانمایه جفت
سزد گر بداری سرش در کنار زمانی بیاسایی از کارزار
(شاهنامه، جلد ۴: ص ۳۴)

سراینده حماسه دینی خاوران‌نامه نیز برای نمایش عظمت و جایگاه والای علی علیه السلام از زبان پرسوناژهای داستان فعل امر را در غرض استهزا به کار برده اما بسامد بالایی ندارد و در ۱۱۰۰۰ بیت تنها ۱۸ بار استفاده شده است که بسامد بالایی به شمار نمی‌آید.

نگه کن بدین خنجر آبگون که بسیار همچون تو را ریخت خون
سراپای گیتی ببین از فراز که دیگر نبینی سر از پای باز
(خاوران‌نامه: ۱۰۳)

افعال امر «نگه کن» و «ببین» در زنجیره کلام و در محور افقی زبان به گونه‌ای به کار رفته است که به زیبایی غرض ثانویه استهزا را نشان میدهد. سازه هنری استعاره بالکنایه از نوع تشخیص یا انسان انگاری در هر دو بیت به سخره گرفتن هم‌اورد را بیشتر برجسته میسازد.

بیا تا شبانگه چه دیدی به خواب که امروز آمد به میدان شتاب
(خاوران‌نامه: ۱۰۳)

قطار را به سخره و استهزا مخاطب قرار میدهد و این گونه القا میکند که مگر شکست مرا به خواب ببینی.

بدو گفت عمرو ای جهاندار شاه که در بند محکم بدارش نگاه
(خاوران‌نامه: ۴۴۵)

عمرو که دشمن را فریفته و خود را به عنوان یکی از محافظان شاه معرفی میکند، او را ریشخند میکند. شاه گمان مینماید مرد در بند عمروامیه است در حالی که عمرو روبروی شاه ایستاده و رندانه او را مسخره میکند و رندانه میگوید عمرو مبارزه خطرناکی است اگر میتوانی:

یک امشب بر او پاسبان بر گمار نگاه دارش از گردش روزگار
(خاوران‌نامه: ۴۵۵)

غرض ثانویه استهزا در جملات امری عمروامیه مشهود است. زنجیره کلام و واژه‌های «بند، محکم، نگهدار، امشب و پاسبان» از زبان عمروامیه به استهزا بیان شدن عبارات را به زیبایی نشان میدهد.

به میدان مردی بود مرد من خرامید باید به آورد من
(خاوران‌نامه: ۱۰۲)

مهارت نداشتن هم‌اورد در میدان جنگ ابزار مضحکه و ریشخند قرار می‌گیرد. سازه هنری استعاره ته‌گمیه مطابق حال و مقام مخاطب بیان می‌شود:

به جایی که همچون تو باشد سوار همانا که آسان بود کارزار
(خاوران‌نامه: ۱۰۲)

بدو گفت دختر برو باز جای اگر پای داری بدینجا میای
(خاوران‌نامه: ۲۸)

دختر جادو که علی علیه السلام را نمیشناسد به او راه نمیدهد و به استهزا او را مخاطب قرار میدهد که: برگشتن برای تو شایسته‌تر است تو توانایی عبور از این راه و رسیدن به کوه را نداری.

۹. کاربرد جملات امری در معنی دعا

«این غرض وقتی از جملات امری استنباط می‌شود که گوینده خود را فرودست و کهنتر میدانند و به طریق دعا از مخاطب که مهتر و بالادست و در واقع حضرت باریتعالی است درخواستی عاجزانه مینماید» (صادقیان، ۱۳۸۲، ص ۹۳) همچنین «غرض را طلب فعل نه بر سبیل استعلا بلکه بر سبیل تضرع» (سکاکي، بی تا: ۱۳۷) دانسته‌اند. در این غرض گوینده از بن جان نیاز و خواسته خود را بیان میدارد که در متون غنایی و عرفانی کاربرد گسترده‌تری دارد. در حماسه به دلیل ماهیت جنگ، خشونت و درگیری، پهلوانان کمتر فرصت به دعا پرداختن دارند از این روی کاربرد جملات امری در معنی دعا در خاوران‌نامه کاربرد گسترده‌ای ندارد و تنها در ۱۶ بیت جملات امری را در غرض ثانویه دعا مشاهده مینماییم.

کزین آب دامن مرا رهنمای به جایی رسانم که باشد به جای
(خاوران‌نامه: ۵۱۷)

حضرت علی (ع) به درگاه باریتعالی دست تضرع گشوده و دعا میکند تا خداوند راهنمای او باشد تا از آب عبور کرده به چاه جادوان دست یابد؛ دعای حضرت مستجاب و فردی سبز پوش ظاهر و راهنما میشود.

که از لشکر دین خبر ده مرا میان سواران گذرده مرا
(خاوران‌نامه: ۴۶۲)

در این غرض به طور معمول قهرمان داستان خسته و درمانده به درگاه قدرت فرا انسانی روی می‌آورد و گاه هائقی در مقام یاریگر به او پیغام میدهد و راه را به قهرمان خسته داستان مینمایاند.

بدو گفت خسرو که بدرود باش ز من جادوان شاد و خشنود باش
(خاوران‌نامه: ۵۳۴)

در این بیت دعا برای سلامتی و خشنودی سپاهیان ضد قهرمان مشهود است.

خلاصم ده از بند این کافران به حق نبی ختم پیغمبران
(خاوران‌نامه: ۱۸۰)

مضمون دعاهاى به کار رفته در خاوران‌نامه عمدتاً دعا برای پیروزی و کامیابی یا نشان دادن راه به قهرمان حماسه است.

۱۰. کاربرد جملات امری در معنی هشدار و تحذیر

غرض از به کار بردن فعل امر، آگاه کردن و هشدار دادن به مخاطب و بر حذر داشتن از کاری است که در آن خطر وجود دارد. پایین‌ترین بسامد در جامعه آماری مورد مطالعه مربوط به غرض ثانویه هشدار و تحذیر است. ابن حسام تنها در ۹ بیت فعل امر را در معنی هشدار و تحذیر به کار برده است.

مپیچ اندر این کار کاین خامی است کمند افکنی کار بهرامی است
(خاوران‌نامه: ۴۳۲)

امر منفی یا فعل نهی، آشکارا در معنی هشدار و بر حذر داشتن از امری بکار رفته است که در آن هیچ سودی متصور نیست.

فلک تند خوی است با هر کسی تو با او مکن تند خویی بسی
(خاوران‌نامه: ۵۱۴)

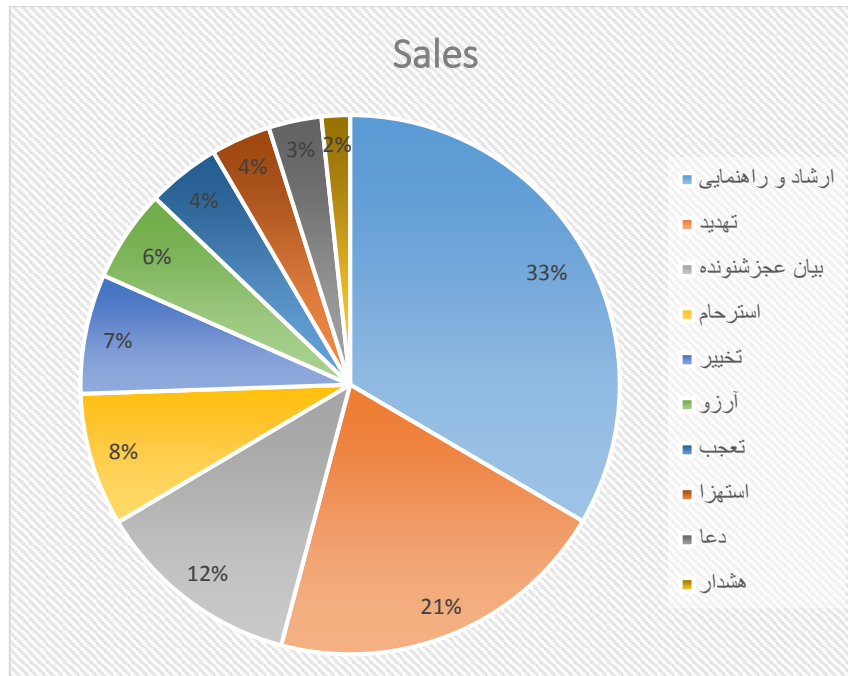
امر در غرض ثانویه هشدار و تحذیر است. بر حذر بودن از اعتماد بر فلک؛ بن‌مایه‌ای مشترک در تمام انواع ادبی. بدو گفت مادر مرو زینهار تو را با کمان دلیران چه کار
(خاوران‌نامه: ۵۶)

هشدار از سر دلسوزی مادر برای برحذر داشتن فرزند از کاری که سرانجام آن دست شستن از جان عزیز است. اغلب افعال امر به کار رفته در غرض ثانویه هشدار و تحذیر برحذر داشتن افراد از اعتماد به دنیا و یا دست برداشتن از کاریست که در توان شخص نیست. به میدان رفتن افراد کم تجربه، مرگ را به دنبال دارد و هشدار افراد دنیا دیده انواع تحذیر بکار رفته در خاوران‌نامه را تشکیل می‌دهد.

جدول بسامد کاربرد فعل امر در اغراض ثانویه

نوع	ارشاد	تهدید	بیان	استرحام	تخییر	آرزو	تعجب	استهزا	دعا	هشدار
بسامد	۱۶۸	۱۰۴	۶۲	۴۰	۳۶	۲۸	۲۲	۱۸	۱۶	۹
درصد	۳۳	۲۰	۱۲	۸	۷	۵	۴	۳	۱/۳	۱/۷

نمودار بسامد کاربرد فعل امر در اغراض ثانویه



نتیجه‌گیری

تحلیل سبکی اغراض ثانویه جملات امری در خاوران‌نامه از موضوعات مرتبط با علم معانی و سبک‌شناسی است، با این هدف که بسامد معانی ثانویه جملات امری در خاوران‌نامه ابن‌حسام به دست آید و بتوان از نتایج آن به سبک و اندیشه شاعر پی‌برد. بدین منظور در این مقاله ۱۱ هزار بیت از دو بخش خاوران‌نامه انتخاب شده است. در جامعه آماری مورد نظر ۵۰۳ بار از جملات امری استفاده شده، جملاتی که فارغ از کارکرد ذاتی یعنی دستور دادن برای اغراض دیگری به کار رفته است. در این منظومه جملات امری در ۱۰ غرض ثانویه: ارشاد و راهنمایی، تهدید، بیان عجز شنونده، استرحام، تخویر، آرزو، تعجب، استهزا، دعا و هشدار و تحذیر به کار رفته که جملات امری در غرض ثانویه ارشاد و راهنمایی با ۳۳/۳۳ درصد بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده که بر جهان بینی و شخصیت ایدئولوژیک سراینده منطبق است. در این نوع جملات امری در بیشتر موارد، ابن‌حسام پس از هر جمله و در ابیات بعدی توضیحاتی ارائه نموده تا به گونه‌ای منطقی یا هنری مخاطب را اقناع کند و پیرنگ داستان را بر اساس روابط علی و معلولی نشان دهد. غرض ثانویه هشدار و تحذیر با ۱/۷ درصد کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. ساختار حماسه، جنگاوری و رشادت میدان نبرد، تناسب چندانی با هشدار و تحذیر ندارد. اساساً قهرمان، هشدارپذیر نیست و تلاش دارد دلاوریهای خود را به نمایش بگذارد؛ از این‌رو بسامد پایین هشدار و تحذیر منطقی جلوه مینماید. نکته قابل توجه در خاوران‌نامه این است که در برخی ابیات، اغراض ثانویه متعدد از یک جمله قابل دریافت است. کشف ظرایف هنری و بلاغی اغراض ثانویه جملات نشان میدهد بخش زیادی از التذاد هنری به چگونگی توجه شاعر به ساختمان جمله و نوع کاربرد آن وابسته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله با مشارکت و تحلیل محتوای مقاله سرکار خانم دکتر روشن رحمانی و سرکار خانم شهربانو حق شناس و حاصل تلاش این دو پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدرانی

نویسندگان مراتب تشکر خود را از مسئولان مجله بهار ادب که در چاپ این مقاله آنها را داده اند، اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی می نمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان میان پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می گیرند.

REFERENCES

- Alavi Moghaddam, Mohammad. Ashrafzadeh, Reza. (2009). Meanings and expression. 9th edition, Tehran: Samt.
- Alhashemi, Ahmed. (2008). Javaher ol-Balaghe fi Maani Val-Bayan Val-Badi. Translated by Ali Ovsat Ebrahimi, 4th edition, Qom: Institute of Islamic Law.
- Ferdowsi, Abulqasem. (2009). Shahnameh Moscow edition, volume 4, Tehran: Moin.
- Goli, Ahmad and Farhad Mohammadi. (2015). "Constructing the explanatory-inferential relationship of sentences in Hafez's poetry". Poetry Research Magazine, No. 26, pp. 117-140.
- Hatefi Ardakani, Gholamreza and Mohsen Izadyar. (2020). Literary Aesthetics Quarterly, 18th year, number 44, pp. 101-130.
- Homai, Jalaluddin. (1995). Meanings and expression by Mahdekht Bano Homai. Second edition, Tehran: Homa.
- Homai, Jalaluddin. (2010). Rhetoric techniques and literary industries. Tehran: Ahura.
- Hosseini, Sayyed Reza. (2020). "Examination of the secondary meanings of matter in Mahdi's poetry of the third brotherhood". Master's thesis, Allameh Tabatabai University: Tehran.
- Kardani, Chenour and Timur Malmir. (2009). "Investigating the roles of the meanings of interrogative and imperative sentences in Khaqani poems". Kavoshnameh scientific-research quarterly, 10th year, number 192, pp. 152-123.
- Khosfi, Ibn Hossam. (1997). Khavarannameh Edited by Heydar Ali Khosh Kenaar, Uromiye: Mahde Tamdan Publications.
- Kian-Mehr, Somayyeh (2009) "Study of secondary meanings of sentences in 200 sonnets of Divan Hafez, master's thesis". Payame Noor University: Tabriz.
- Mahyar, Abbas and Rahim Afzali Rad. (2014). Bahare Adab Scientific-Research Quarterly, No. 24, pp. 123-136.

- Mohabbati, Mehdi. (2009). brand new Tehran: Sokhan.
- Moradi, Hamidullah. (1998). Correcting Khavarannameh of Ibn Hossam Khosfi, master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad.
- Sadeghian, Mohammad Ali. (2003). Style of speech in meanings and expression. Yazd: Reyhana ol-Rasoul Cultural and Research Foundation.
- Sakkaki, Abu Yaqub. (?) The key to science. Beirut: Dar ol-Kotob ol-Elmiyeh.
- Shafii Kadkani, Mohammad Reza. (2013). Poetry language in Sufi prose. Tehran: Sokhan.
- Shahbazi, Asghar. (2021). "Researching the meaning-purpose of imperative statements in Hafez's sonnets and its relationship with Hafez's individual style". Persian scientific-research quarterly, number sixty-one, pp. 49-23
- Shamisa, Sirius. (2002). A fresh look at the novel. 7th edition, Tehran: Ferdous.
- Shamisa, Sirius. (2015). meanings Tehran: Mitra Publishing.
- Tajleel, Jalil. (1997). Meanings and expression. Tehran: Academic Publishing Center.
- Yule, Gorge. (2012). Language usage. Translated by Mohammad Ammuzadeh and Manouchehr Tawangar, 5th edition, Tehran: Samt.
- Zarrin Koob, Abdul Hossein. (1982). literary criticism Volume I, Tehran: Amir Kabir Publications.

فهرست منابع فارسی

- الهاشمی، احمد. (۱۳۸۷). جواهرالبلاغه فی معانی والبیان و البدیع. ترجمه علی اوسط ابراهیمی، چاپ چهارم، قم: موسسه حقوق اسلامی.
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۹۹). «بررسی معانی ثانویه امر در شعر مهدی اخوان ثالث». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی: تهران.
- تجلیل، جلیل. (۱۳۷۶). معانی و بیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خوسفی، ابن حسام. (۱۳۷۶). خاوران‌نامه. تصحیح حیدرعلی خوش کنار، ارومیه: انتشارات مهد تمدن.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). نقد ادبی. جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). معانی. تهران: نشر میترا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). نگاهی تازه به بدیع. چاپ هفتم، تهران: فردوس.
- سکاکی، ابویعقوب. (بی تا). مفتاح العلوم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شهبازی، اصغر. (۱۴۰۰). «بررسی معنایی - منظوری گزاره‌های امری در غزلیات حافظ و ارتباط آن با سبک فردی حافظ». فصلنامه علمی - پژوهشی زبان فارسی، شماره شصت و یکم، صص. ۲۳ - ۴۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). زبان شعر در نثر صوفیه. تهران: سخن.
- صادقیان، محمدعلی. (۱۳۸۲). طراز سخن در معانی و بیان. یزد: بنیاد فرهنگی و پژوهشی ریحانه الرسول.
- علوی مقدم، محمد. اشرفزاده، رضا. (۱۳۸۸). معانی و بیان. چاپ نهم، تهران: سمت.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). شاهنامه. چاپ مسکو، جلد چهارم، تهران: معین.
- کاردانی، چنور و تیمور الممیر. (۱۳۸۸). «بررسی نقشهای معانی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی». فصلنامه علمی - پژوهشی کاوش‌نامه، سال دهم، شماره ۱۹۲، صص. ۱۲۳-۱۵۲.

- کیان‌مهر، سمیه. «۱۳۸۸». «بررسی معانی ثانویه جملات در ۲۰۰ غزل دیوان حافظ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد». دانشگاه پیام‌نور: تبریز.
- گلی، احمد و فرهاد محمدی. (۱۳۹۴). «ساخت رابطه تعلیلی - استنتاجی جملات در شعر حافظ». مجله شعر پژوهی، شماره ۲۶، صص. ۱۱۷ - ۱۴۰.
- ماهیار، عباس و رحیم افضل‌راد. (۱۳۹۳). «بررسی اغراض ثانویه جملات امری در غزلیات سعدی». فصلنامه علمی - پژوهشی بهار ادب، شماره ۲۴، صص. ۱۲۳ - ۱۳۶.
- محبتی، مهدی. (۱۳۸۸). بدیع نو. تهران: سخن.
- مرادی، حمیدالله. (۱۳۷۷). تصحیح خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- هاتفی اردکانی، غلامرضا و محسن ایزدیار. (۱۳۹۹). «بررسی معانی ثانویه امر در غزلیات کلیم کاشانی». فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، سال هجدهم، شماره ۴۴، صص. ۱۰۱ - ۱۳۰.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: اهورا.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۴). معانی و بیان به کوشش ماهدخت بانو همایی. چاپ دوم، تهران: هما.
- یول، جورج. (۱۳۹۱). کاربرد شناسی زبان. ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر، چاپ پنجم، تهران: سمت.

معرفی نویسندگان

روشن رحمانی: استاد محترم گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده نظریه و ادبیات نوین فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان.

(Email: ravrahmon@mail.ru)

(ORCID:)

شهربانو حق‌شناس: دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده نظریه و ادبیات نوین فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان.

(Email: haghshenas88@gmail.com (نویسنده مسئول))

(ORCID: [0009-0008-6070-4524](https://orcid.org/0009-0008-6070-4524))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Roshan Rahmani: Distinguished Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Modern Persian Theory and Literature, National University of Tajikistan, Dushanbe, Tajikistan.

(Email: ravrahmon@mail.ru)

(ORCID:)

Shahrbano Haghshenas: graduate of Persian language and literature, Faculty of Modern Persian Theory and Literature, National University of Tajikistan, Dushanbe, Tajikistan.

(Email: haghshenas88@gmail.com: Responsible author)

(ORCID: [0009-0008-6070-4524](https://orcid.org/0009-0008-6070-4524))